

## ولایت فقیه در نگاه قرآن، روایات و بزرگان

سیده طوبی موسوی

### چکیده:

ماهیت ولایت فقیه و جایگاه آن در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی، در این جستار مورد تحقیق و واکاوی قرار گرفته است. نویسندگان با استناد به نصوص و ظهورات آیات و روایات و با تکیه بر براهین عقلی، نقش محوری ولایت فقیه را در تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مستمر قوانین الهی در زمان غیبت کبری امام عصر (عجل الله فرجه الشریف)، به اثبات رسانیده است. کوتاه سخن آن که بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، علت محدثه حکومت اسلامی و وجود امامان معصوم (علیهم السلام) تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)، علت مبقیه اسلام و حکومت اسلامی می باشد؛ در زمان غیبت امام (علیه السلام) این وظیفه خطیر به عهده فقیهان واجد شرایط، محول گردیده است، بنابراین ولایت و حکومت فقیه، تنها راهی است که از تعطیلی احکام اسلامی جلوگیری می نماید.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، ولایت فقیه، ولایت مطلقه، قرآن

## مقدمه:

بی‌شک، قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان جهان است، زیرا آیات آن قطعی‌الصدور می‌باشد. طبق نصوص و ظهورات برخی از آیات قرآن مجید، حکومت و ولایت در مرحله‌ای، ویژه خداوند متعال است و کسی را حق حکومت نیست، چون بهره‌ای از ولایت ندارند. مثل آیات: «ان الحكم الا لله».<sup>۱</sup>

«الولاية لله الحق» .

«ما لهم من دونه من ولي ولا يشرك في حكمه احد»<sup>۲</sup> . و...

لیکن در مرحله‌ای دیگر در مقام اثبات حکومت به دو قسم الهی و غیرالهی منقسم می‌شود و هر یک از آنها ویژگی و آثار مربوط به خود دارند. مشخصه حکومت الهی آن است که حاکم فقط خداوند است و حکومت پیامبر و امام معصوم در طول حکومت خداوند می‌باشد. در این نوع حکومت، قانون‌گذار فقط خداوند است و پیامبر اکرم و جانشینان به حق وی، تنها مجریان قانونند.

در زمان غیبت معصوم (علیه‌السلام)، ولی فقیه مجری همین قوانین می‌باشد. اما ویژگی حکومت غیر الهی آن است که طواغیت و شیاطین در راس حکومت قرار دارند و قوانین این نوع حکومت به دست انسان‌ها تدوین گردیده است. آیات بسیاری در قرآن مجید بدان مطلب تصریح دارد که برخی از آنها به قرار زیر است: «ان ولی الله الذی نزل الكتاب و هو يتولى الصالحين»<sup>۳</sup>

ولی من فقط خداوند و تنها او متولی امر صالحان است. «انما وليکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون»<sup>۴</sup>

ولی شما صالحان - فقط خدا و رسول او و آن کسی که در حال رکوع زکات داد. «انا جعلنا الشیاطین اولیاء لالذین لا یؤمنون»<sup>۵</sup>

همانا ما شیاطین را متولی امر مردم بی‌ایمان قرار دادیم. و آیه: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات»<sup>۶</sup>

فقط خداوند متولی امور مؤمنان است و آنان را از تاریکی‌های مرگبار به روشنایی حیات بخش بیرون آورد، لیکن متولیان امور کافران، طاغوت است که ایشان را از نور به تاریکی‌ها کشانند. و... در آیات فوق و مانند آنها به آثار حکومت الهی و طاغوتی اشارت فرمود و گفته است و که آثار حکومت الهی، مایه استکمال آدمیان است که تکامل انسان‌ها در آن حاصل آید ولی آثار حکومت طاغوت نگون‌بختی بشر است که آدمیان را از نور به قعر جهنم بدبختی کشاند.

<sup>۱</sup> یوسف/سوره ۱۲، آیه ۶۷ .

<sup>۲</sup> کهف/سوره ۱۸، آیه ۴۴ .

<sup>۳</sup> کهف/سوره ۱۸، آیه ۲۶ .

<sup>۴</sup> اعراف/سوره ۷، آیه ۱۹۶ .

<sup>۵</sup> مائده/سوره ۵، آیه ۵۵ .

<sup>۶</sup> اعراف/سوره ۷، آیه ۵۵ .

<sup>۷</sup> بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۷ .

تالیفات و کتاب های بسیار زیادی در این زمینه نوشته شده که عبارتند از:

۱. کتاب ولایت فقیه، امام خمینی (ره) طرح کلی و اجمالی حاکمیت اسلامی در عصر غیبت را در دو ساحت عقل و نقل و با وسواس عالمانه خود مورد بررسی قرار می دهد.

۲. حکیمانانه ترین حکومت، علامه محمد تقی م صباح یزدی، در این کتاب، تلاش شده تا ضمن تبیین مبانی و اصولی که ولایت فقیه بر آنها مبتنی است، تصویری روشن از این دستاورد بزرگ اندیشه اجتماعی اسلام به دست داده شود.

۳. حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، آیت الله موسوی خلیلی، ویژگی مهم این کتاب، برخورداری از متن ساده و روان است که علی رغم استدلال فقهی، همه اصطلاحات به طور روشن توضیح داده می شود.

۴. ولایت فقیه در حکومت اسلام، علامه تهرانی، این کتاب با استفاده از آیات قرآن و روایات به مباحث فقهی و علمی و شواهد تاریخی و اجتماعی به مطالبی مانند دلائل ولایت فقیه و شرایط و موانع آن، حقیقت ولایت امام و فقیه عادل و نحوه حکومت در اسلام و ... پرداخته است.

## مفهوم‌شناسی

ولایت: واژه‌ای عربی است که از نگاه لغوی، از ریشه (ول ی) گرفته شده است و به کسر و فتح «واو» خوانده می‌شود. «ولی» در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر؛ بدون آن که فاصله‌ای میان آن دو باشد؛ از این رو، این واژه در معانی دوستی، یاری، پیروی، تصدی امر غیر و سرپرستی استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی، قرب معنوی است.

فقیه: واژه فقیه در لغت، به معنای کسی است که فهمی عمیق و دقیق دارد و از ریشه (ف ق ه) گرفته شده که به معنای غلبه علم و فهم و ادراک درباره چیزی است. در اصطلاح، فقیه کسی است که بتواند احکام شرعی را از آیات قرآن و سخنان معصومان (علیهم‌السلام) استنباط و استخراج کند.

ولی فقیه: در اصطلاح، ولی فقیه کسی است که عالم به سیاست‌های دینی و برقرارکننده عدالت اجتماعی میان مردم باشد. طبق اخبار، او دژ اسلام و وارث پیامبران و جانشین پیامبر خدا و همچون پیامبران بنی اسرائیل بوده، بهترین خلق خدا پس از امامان (علیهم‌السلام) است. مجاری امور و احکام و دستورها، به دست او بوده و حاکم بر زمامداران است.

## ماهیت ولایت فقیه

از بحث مفهوم‌شناسی فوق معلوم شد که واژه‌های «ولایت، ولی، مولی و اولی» «مشترک لفظی هستند که در معنی حاکمیت، سرپرست و سزاوار به تصرف و یا دوستی بسیار نزدیک و یاری‌گری و... به کار می‌روند. بدیهی است که طبق قانون مشترک لفظی، هر یک از معانی فوق با قرینه معینه معلوم می‌شود، مثلاً وقتی گویند: فقیه دارای ولایت نسبت به مردم است یا ولی مردم می‌باشد، مقصود نفوذ حکم یا فتوای اوست، بنابراین، اگر فقیه در محکمه، حکم صادر کند که این مال، مربوط به فلان شخص است و یا بگوید که امروز عید فطر است، باید از حکم او تبعیت شود. در فتوا نیز چنین است، وقتی فقیه جامع الشرایط فتوا دهد که شهر تهران از بلاد کبیره است، بر مقلدان وی تبعیت از فتوای وی لازم است؛ بنابراین، ولایت فقیه عبارت است از: حاکمیت فقیه جامع الشرایط به نیابت از معصوم (علیه‌السلام) در زمان غیبت امام عصر (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) می‌باشد. پس حکم و فتوایش واجب‌الاتباع است، یعنی با توجه به قرائن مقالی و مقامی، هیچ یک از معانی (ولایت، ولی) جز معنی نفاذ حکم و حاکمیت در این باب مورد نظر نخواهد بود. البته بین حکم و فتوا این تفاوت وجود دارد که تبعیت از فتوا بر مقلدان وی واجب است اما تبعیت از حکم، از باب ولایت فقیه بر همه واجب است و مختص به مقلدان نمی‌باشد.

#### ۴,۱ - تشریحی بودن ولایت فقیه

شایان ذکر آن که ولایت فقیه از نوع ولایت تشریحی و اعتباری می‌باشد نه از نوع ولایت تکوینی. ولایت تکوینی، تسلط بر جهان هستی می‌باشد که ولی خدا توان تصرف در ماهیت اشیای جهان وجود را دارد، بسان ولایت حضرت موسی، حضرت عیسی (علیهما السلام) که موسی (علیه السلام) عصا را به اژدها تبدیل می‌کرد و یا حضرت عیسی که مرده را به حیات باز می‌گردانید که در قرآن، این کارهای خارق‌العاده به تفصیل آمده است و از همه بالاتر، ولایت تکوینی پیامبر بزرگوار اسلام است که به تصریح آیه «اقتربت الساعة وانشق القمر و ان یروا آیه یعرضوا ویقولوا سحر مستمر»<sup>۸</sup>

«ماه با اشاره حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دو نیم شد و یا حرکت درخت که به فرمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (طبق تصریح حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه (صورت گرفت. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «یا ایها الشجره..... انقلعی بعروتیک حتی تقفی بین یدی، والذی تعه بالحق کا نقلعت عروقها و جاءت و لها دوی شدید»<sup>۹</sup> ای درخت! با ریشه‌های خود از زمین کنده شو و به اذن الله جلوی من بایست... به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث فرمود، آن درخت با ریشه‌هایش کنده شد و با صدای بلند حرکت نمود و به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد.

اما ولایت فقیه، حاکمیت نسبت به اجرای قوانین الهی است که فقیه جامع شرایط به نیابت از جانب معصوم (علیه السلام) و با نصب معصوم، موظف به انجام آن است. احادیث بسیاری از معصوم (علیه السلام) در باب نصب فقیه به این ولایت وارد شده که در بخش‌های آتی به‌طور تفصیل آورده خواهد شد؛ فی الجمله، توقیع امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) و مقبوله عمر بن حنظله، این مطلب را اثبات می‌کند. امام زمان (علیه السلام) در آن توقیع فرمودند: «فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله؛ فقیهان واجد شرایط حجت من بر شمایند؛ چنان که من حجت خدایم.» (حدود ولایت فقیه، ۲۰)؛ و امام صادق (علیه السلام) در مقبوله عمر بن حنظله فرمودند: «انی قد جعلته علیکم حاکم»<sup>۱۰</sup>

« من فقیه جامع ال شرایط را حاکم شما قرار دادم.» بنابراین، ولایت فقیه، ولایتی است که با وجود شرایط ویژه، امام معصوم آن را جعل فرموده است که با نبود آن شرایط، ولایتی در کار نخواهد بود.

#### ۴,۲ - دیدگاه امام خمینی

امام خمینی در باب ماهیت ولایت فقیه نوشته است: خلافت و ولایت را دو معنی در کار است: یکی ولایت الهی تکوینی که این نوع ولایت مختص پیامبر اکرم و سایر معصومان (علیهم السلام) است؛ دو دیگر ولایت

<sup>۸</sup> قمر/سوره ۵۴، آیه ۲ .

<sup>۹</sup> امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۴۷۶

<sup>۱۰</sup> حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹

بدانید که گرفتاری شما در باب حکومت به شکل جاهلیت بازگشته است.» بعد از شهادت حضرت امیر، با نیرنگ و خدعه‌های حاکمان منافق مسلمان‌نما امام حسن (علیه‌السلام) برکنار و شهید شد و امام حسین (علیه‌السلام) نیز به شهادت رسید و از آن زمان به بعد بنی امیه و بنی عباس به نام حکومت اسلامی آنچه خواستند کردند. اگر کسی در زندگی و سیره امام حسین (علیه‌السلام) مطالعه کند بفهمد که آن جناب برای اجرا و تشکیل حکومت الهی قیام فرمود، امام حسین (علیه‌السلام) در بخشی از وصیت‌نامه خود به برادرش محمد حنفیه فرمود: «انی لم اخرج اشره ولا بطرا و لا مفسده و لا ظالم و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی؛<sup>۶۸</sup>

من برای امر به معروف و نهی از منکر خروج کردم و مقصودم ادامه سیره جدم رسول خدا بود نه به عنوان خودخواهی و مفسده‌گر و ستمکار.» و نیز هنگامی که حر ریاحی از حرکت آن حضرت ممانعت کرد، آن جناب فرمودند: «الا ترون الی الحق لایعمل به و الی الباطل لا یتناهی عنه انی لا آری الموت الا سعاده و الحیاء مع الظالمین الا بر ما؛<sup>۶۹</sup>

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌گردد و از باطل جلوگیری نمی‌شود، من در این حال مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران جز ملالت نمی‌بینم.

چنان‌که از سیره امام حسین و دیگر امامان (علیه‌السلام) بر می‌آید همه‌شان در پی تشکیل و ادامه حکومت الهی بوده‌اند، لیکن در اثر نادانی جامعه آن روزگاران و توطئه‌های ستم‌پیشگان موفق به تشکیل و استمرار حکومت الهی نشدند. استمرار حکومت الهی مقید به زمان خاصی نیست، بنابراین، فقیهان جامع‌الشرایط که منصوب از جانب معصوم هستند باید در زمان غیبت معصوم (علیه‌السلام) قیام به تشکیل و استمرار حاکمیت الهی در روی زمین نمایند و هیچ گزینه دیگری جز فقیهان، جهت استمرار حکومت خدا در زمان غیبت امام (علیه‌السلام) در کار نیست.

#### ۱۰،۱ - دیدگاه ملاحمد نراقی

ملاحمد نراقی در ارتباط با جایگاه فقیه در زمان غیبت معصوم (علیه‌السلام) گفت: خداوند متعال، به حکم عقل جهت استمرار حکومت الهی در زمان غیبت معصوم باید کسی را تعیین کرده باشد که این شخص طبق نصوص و ظهورات روایات جز فقیه جامع‌الشرایط کس دیگری نیست.<sup>۷۰</sup>

#### ۴،۲ - دیدگاه امام خمینی

امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) نه تنها حکومت پادشاهان را نام‌شروع می‌دانست، بلکه حکومت جمیع حاکمان بنی امیه، بنی عباس و مانند آنها را نیز نام‌شروع می‌دانست. این فقیه بزرگوار بر این باور بود که قیام فقیه جهت تشکیل و استمرار حکومت الهی بسان قیام امام حسین (علیه‌السلام) و ادامه راه اوست. اینک به

۶۸ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ .

۶۹ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ .

۷۰ نراقی، ملاحمد، حدود ولایت حاکم اسلامی، ص ۳۰.

بخش‌هایی از سخنان وی اشاره می‌شود: باید دانست که مسئله جدایی سیاست از دین خواست استعمارگران است، سنت و روش پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دلیل روشنی بر لزوم حکومت الهی است، مگر زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دین از سیاست جدا بود. به حکم عقل و شرع آنچه در زمان حیات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی (علیه‌السلام) لازم بود پس از ایشان و در همه زمان‌ها نیز لازم است.<sup>۷۱</sup>

سپس فرمود: اگر فقیه واجد شرایطی به پا خاست و حکومت تشکیل داد، همان ولایتی را دارد که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دیگر معصومان در امر اداره حکومت داشتند؛ به دیگر بیان معصومان (علیهم‌السلام) و فقیهان عادل وظیفه دارند که از تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام و خدمت به مردم استفاده نمایند.<sup>۷۲</sup>

سرانجام امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) جهت اثبات مطلب به فرمایش‌های امام رضا (علیه‌السلام) تمسک جست و گفت: امام رضا (علیه‌السلام) فرموده است: محال است که خداوند احکام و قوانین مورد نیاز مرد مرا جعل نفرموده باشد و مجری قانون را حاکم الهی تعیین نکرده باشد: «لم یجز فی حکمة الله ان یترک الخلق مما یعلم انه لا بد منه»<sup>۷۳</sup>

## ولی فقیه با وجود تعدد فقها

آخرین نکته در باب ولایت فقیه، آنکه در صورت تعدد فقیهان واجد شرایط، تشکیل حکومت و استمرار آن به عهده کدامشان خواهد بود.

در پاسخ این پرسش باید گفت که اولاً این سخن، فرضی نیست چون فقیه عادل تالی تلو معصوم است و همان سان که هیچ‌گاه بین پیامبران و امامان متعدد در زمان واحد، مشکلی در تشکیل حکومت و استمرار آن در کار نبوده، میان فقیهان نیز در این باب مشکلی رخ نخواهد داد. لیکن پاسخ علمی این پرسش آن است که در چنین شرایطی، تشکیل یا استمرار حکومت اسلامی به عهده آن فقیهی است که روی کرد مردمی بیش‌تر از دیگران دارند، چنان‌که در زمان امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) مردم ایران مستقیم در خیابان‌ها آمدند و بیعت با آن جناب را اعلام نمودند و در زمان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز این روی کرد مردمی توسط مجلس خبرگان رهبری بارها به منصفه ظهور آمد؛ علاوه بر آن مردم ایران در راهپیمایی‌های متعدد خود با آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تجدید بیعت نمودند. حضرت علی (علیه‌السلام) روی کرد مردمی را شرط حکومت دانست و فرمود: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم ولا سغب مظلوم الا لقیته حبلاً علی غاربها»<sup>۷۴</sup>

۷۱ خمینی، سیدروح‌الله، حکومت اسلامی، ص ۲۷-۲۲ .

۷۲ خمینی، سیدروح‌الله، حکومت اسلامی، ص ۶۰-۵۵ .

۷۳ خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۲۱ .

۷۴ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۴۶ .

اگر با وجود روی کرد مردم، قیام حجت خدا جهت تشکیل حکومت لازم نمی‌بود و خداوند با وجود این شرایط از عالمان دین تعهد تشکیل حکومت نگرفته بود تا با حاکمیت الهی بر پرخوری ستمگر و گر سنگی مردم پایان دهند و به آن رضا ندهند، ریسمان شتر حکومت را به کوهانش می‌افکنند.»

از سخنان حضرت امیر به وضوح دانسته می‌شود که با وجود روی کرد مردمی، بر عالمان دینی تشکیل حکومت، یک واجب شرعی است که تکلیف الهی به مرحله تنجر و فعلیت رسیده است.

## نتیجه گیری

تحقیق حاصله تحت عنوان (ولایت فقیه در نگاه قرآن، روایات و بزرگان) می باشد.

از این تحقیق میتوان دریافت که ولایت فقیه را می توان به وسیله آیات قرآن کریم، روایات و سخنان بزرگان از قرن های گذشته و معاصر اثبات کرد.

به طور کلی این نتایج را می توان از این تحقیق به دست آورد:

۱. تشکیل حکومت الهی برای اجرای احکام و حدود خدای متعال از زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به دست مبارک او واجب و لازم بود و با توجه به جاودانگی دین مبین اسلام به حکم و شرع و عقل تا قیام قیامت، استمرار آن واجب است.

۲. در زمان غیبت معصوم (علیه السلام) اجرای قوانین، احکام و حدود الهی به هیچ وجه نباید تعطیل شود و به حکم عقل و شرع فقط فقیه جامع الشرایط حق تشکیل حکومت و اجرای حدود الهی را دارد. بدیهی که رویکرد مردمی به جانب یک فقیه دارای شرایط تکلیف شرعی را برای او فعلیت و تنجز می بخشد و تشکیل و استمرار حکومت الهی بر او واجب فعلی می شود.

۳. ولایت فقیه جهت اجرای قوانین و حدود الهی بسان ولایت معصوم (علیه السلام)، مطلق می باشد، با این تفاوت که او فقط مجری احکام الهی و دستورهای معصومان (علیهم السلام) می باشد؛ چون او نایب و حجت امام (علیه السلام) است، بنابراین، جمیع اختیارات معصوم (علیه السلام) در جهت اجرای احکام الهی را داراست جز مواردی که با ادله شرعی خارج شده باشد.

## منابع و مأخذ

- ١ ( قرآن مجيد ) .
- ٢ ( خمينى سيدروح الله، حكومت اسلامى ) .
- ٣ ( خمينى، سيدروح الله، كتاب البيع ) .
- ٤ ( ابن ادريس محمد بن منصور، السرائر لتحرير الفتاوى، قم: انتشارات جامعه مدرسين ) ١٣٦٨
- ٥ ( راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، لبنان بيروت: دار احياء التراث العربى ١٣٨٦
- ٦ ( حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، تهران: انتشارات المكتبة الاسلاميه ) ١٣٥٨
- ٧ ( سيدرضى، نهج البلاغه، مصحح: صبح صالح، دارالاسوه (١٤١٥ق) .
- ٨ ( سيد مرتضى، على بن حسين، الانتصار، قم: انتشارات جامعه مدرسين ) ١٣٧٣
- ٩ ( شهيد اول، محمد مكى عاملى، الدروس الشرعيه فى فقه الاماميه، قم: انتشارات جامعه مدرسين ) ١٣٧٥ .
- ١٠ ( شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه ) ١٣٧١
- ١١ ( طوسى، محمد بن حسن، المبسوط فى فقه الاماميه، تهران: انتشارات المكتبة المرتضويه ) ١٣٤٥
- ١٢ ( طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: احياء الكتب الاسلاميه ) ١٣٨٨
- ١٣ ( علامه مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان بيروت: نشر الاميره ) ١٣٨٧
- ١٤ ( قرشى سيدعلى اكبر، قاموس قرآن، تهران: دار الكتب الاسلاميه ) ١٣٥٢
- ١٥ ( كاشف الغطاء، جعفر بن خضر، كشف الغطاء، (بى تا) قم: دفتر تبليغات اسلامى ) .
- ١٦ ( اعتمادى مصطفى، شرح معالم، قم: مكتبة المصطفوى، ) ١٣٧٧
- ١٧ ( مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، (بى تا) قم: مؤسسه اسماعيليان ) .
- ١٨ ( نجفى، ميرزا محمدحسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، تهران: دار الكتب السلاميه ) ١٣١٨
- ١٩ ( نراقى، ملا احمد، حدود ولايت حاكم اسلامى، (ترجمه عوائد الايام) ) ١٣٦٥